

The Role of the Rules of Justice, Fairness, and Non-Harm in Protecting Citizens' Rights in an Inflationary Economy and Preventing Social Harm

Seyyed Amin Kharam¹, Zolfaghar Haghparast Damad^{2*}, Hormoz Asadi Kouhbad³

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ramh.C., Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Dehd.C, Islamic Azad University, Dehdasht, Iran.

3. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ramh.C., Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 159-174

Article history:

Received: 15 Mar 2025

Edition: 06 May 2025

Accepted: 19 Jul 2025

Published online: 22 Dec 2025

Keywords:

Economic Inflation; Juris Prudential Rules; Citizenship Rights; do no Harm Rule; Fairness Rule.

Corresponding Author:

Zolfaghar Haghparast Damad

Address:

Iran, Dehdasht, Islamic Azad University, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Dehd.C.

Orchid Code:

0009-0008-6867-1261

Tel:

09177426973

Email:

Haghparast@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: The phenomenon of inflation in the economic environment is one of the important variables in reducing people's purchasing power and increasing people's vulnerability. One of the duties of the Islamic government is to protect citizens in various circumstances; the purpose of the present study is to explain the role of the rules of justice, fairness, and non-harm in the process of protecting citizens by the Islamic government in an inflationary economy.

Materials and Methods: This research is theoretical and its research method is descriptive-analytical. Also, the data collection tool in this research is library.

Findings: The Islamic government secures its financial resources through zakat, khums, war booty, kharaj, jizya, and anfal. After securing resources, the government must use these resources to implement economic justice, establish stability in the market, and ultimately provide for the essential needs of the majority of the people and prevent public discontent and dangerous riots. These are among the main factors in creating inflation in the market. The Islamic government must allocate resources in the above order, taking into account the principles of justice, fairness, and non-harm.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: The rules of justice, fairness, and non-harm directly demonstrate the necessity of the Islamic government's intervention in the economy. This intervention is not of the type of government taking over and playing a role in market equilibrium, but rather of the type of intervention to prevent abuse of rights, unfair and unjust competition, and ultimately to protect public order.

Cite this article as:

Kharam, A; Haghparast Damad, Z; Asadi Kouhbad, H. *The Role of the Rules of Justice, Fairness, and Non-Harm in Protecting Citizens' Rights in an Inflationary Economy and Preventing Social Harm*. Economic Jurisprudence Studies. 2025.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

نقش قواعد عدل، انصاف و لاضرر در حمایت از حقوق شهروندان در اقتصاد تورمزا و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

سیدامین خرام^۱، ذوالفقار حق‌پرست^{۲*}، هرمز اسدی کوه‌باد^۳

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.
۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دهدشت، دانشگاه آزاد اسلامی، دهدشت، ایران.
۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پدیده تورم در فضای اقتصاد یکی از متغیرهای مهم در کاهش توان خرید مردم و افزایش آسیب‌پذیری مردم است. یکی از وظایف حکومت اسلامی حمایت از شهروندان در شرایط مختلف می‌باشد؛ هدف از پژوهش حاضر تبیین نقش قواعد عدل، انصاف و لاضرر در فرآیند حمایت از شهروندان از سوی حکومت اسلامی در اقتصاد تورمزا می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق آن به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. همچنین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها: حکومت اسلامی از طریق زکات، خمس، غنیمت‌های جنگی، خراج، جزیه، انفال منابع مالی خود را تأمین می‌کند. پس از تأمین منابع، حکومت باید منابع مزبور برای اجرای عدالت اقتصادی، برقراری ثبات در بازار و در نهایت تهیه نیازمندی‌های ضروری اکثریت مردم و جلوگیری از نارضایتی عامه و شورش‌های خطرناک به کارگیرد. این موارد از جمله عوامل اصلی در ایجاد تورم در بازار محسوب می‌شوند. حکومت اسلامی می‌بایست تخصیص منابع به ترتیب فوق را با در نظر گرفتن اصول عدل، انصاف و لاضرر انجام دهد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه: قواعد عدل، انصاف و لاضرر به صورت مستقیم ضرورت مداخله حکومت اسلامی در اقتصاد را نشان می‌دهد. مداخله مزبور نه از نوع تصدی‌گری و نقش‌آفرینی دولت در توازن بازار، بلکه از نوع مداخله جهت جلوگیری از سوءاستفاده از حق، رقابت غیرعادلانه و غیرمنصفانه و در نهایت حفاظت از نظم عمومی می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۹-۱۷۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی

تورم اقتصادی؛ قواعد فقه؛ حقوق شهروندی؛ قاعده لاضرر؛ قاعده انصاف.

نویسنده مسئول

ذوالفقار حق‌پرست

آدرس پستی:

ایران، دهدشت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهدشت، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

09177426973

کد ارکید:

0009-0008-6867-1261

پست الکترونیک:

Haghparsat@iaui.ac.ir

۱. مقدمه

تورم پدیده‌ای است که مردم تجربه خوبی از آن ندارند و دائم سعی دارند که خود را به تورم برسانند؛ تورم عبارت است از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها به‌طور بی‌رویه، افسارگسیخته و غیرمنطقی و مداوم، معنی‌دار و غالباً غیرقابل برگشت. نکته نخست مربوط به ماهیت نامتناسب افزایش قیمت‌ها در یک دوره تورمی است. در فضایی که اقتصاد حکومت اسلامی دچار تورم می‌گردد، به تناسب افزایش هزینه‌ها و مخارج زندگی، درآمد مردم افزایش پیدا نمی‌کند و در نتیجه معیشت مردم دچار بحران می‌گردد. حکومت اسلامی دارای وظایفی می‌باشد که وظایف مزبور را در چارچوب اصول و قواعد مبنایی مانند عدل، انصاف و لاضرر انجام می‌دهد. عدل و انصاف از جمله قواعد فقهی است که در تعریف آن آمده است: نصف کردن حقوق و اموال مورد نزاع میان دو مدعی. (مصطفوی، ۱۴۲۱، ۱۵۹) این قاعده در مورد علم اجمالی به تعلق حق یا مال به یکی از طرفین دعوا که اماره و دلیلی بر تعیین آن وجود ندارد جاری می‌شود، استناد به این قاعده در کلام فقهاء با عناوین متعددی همچون اقتضاء عدل و انصاف، اصل تساوی، اصله التسویه و یا عدم جواز ترجیح بلامرجح آمده است. (محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱، ۱۶۴؛ فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۷۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۶، ۳۸۴؛ نجفی، ۱۴۲۱، ج ۳۱، ۱۶۹؛ و ج ۳۹، ۱۲۶ و ۱۴۹ و ۱۵۵) فقهاء در مواردی که دلیلی بر اختصاص یکی از مستحقین و شرکاء بر سهم بیشتر در نزاع‌های مالی و حقوقی نبوده به تسویه و تنصیف، حکم کرده‌اند. صاحب جواهر در موردی که دو نفر در درهمی اختلاف می‌کنند و هر دو ادعای مالکیت آن را می‌کنند و هیچکدام دلیلی بر مدعای خود ندارند

حکم به تنصیف می‌کند. مفاد قاعده عدالت انصاف تمامی احکام شرعی به وصف عدل است در نتیجه باید گفت قاعده عدل و انصاف از جهت آنکه مشتمل بر حکم عادلانه است از مصادیق قاعده عدالت است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۳۲-۳۳). عدالت اجتماعی که نمایندگان آحاد افراد جامعه در بخش‌های مختلف قانون اساسی بر آن تاکید کرده‌اند را بایستی از همین مقوله‌ای که فقها بیان می‌کنند دانست و از آنجائیکه در فقه قاعده لاضرر در مواردی که رفع حکم لازم باشد به آن عمل می‌شود دولتی که اقتصاد تورم‌زا را به دلایل گوناگون اعم از اینکه جهت اقدام دولت ایجاد اشتغال، بالا بردن دستمزدها، چاپ پول و غیره باشد، و از آنجائیکه رفع ضرر از ضروریات جامعه محسوب می‌شود مقتضی عدل و انصاف است که دولت در جهت برقرار متعادل عدالت به هر طریق ممکن اسباب رفع آثار اقتصاد تورم‌زا از چهره جامعه بزداید. از مشهورترین قواعد فقهی که سبب برداشته شدن احکام ضرری است و در بخش‌های متعدد بکار می‌رود، قاعده لاضرر است. (شیخ انصاری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۵۳۳؛ شیخ الشریعۀ، ۱۴۱۰، ۱۱-۱۲؛ عراقی، ۱۴۱۸، ۲۹۹)، سیوطی از عامه در ذیل حدیث لاضرر نقل کرده که فقه بر پایه پنج حدیث استوار است و حدیث لاضرر یکی از آنهاست. (سیوطی، ۱۴۱۸، ۵۵۶) شیخ انصاری در مبحث شرائط اصول عملیه به جهت نقلی از فاضل تونی که گفته از جمله شرائط جریان اصل برائت عدم ترتب ضرر بر اجرای برائت است به‌طور مستقل از این قاعده بحث کرده و متاخرین به تبع او در اصول فقه آن را طرح کرده‌اند. (شیخ انصاری، ۱۴۱۸، ج ۲، ۵۳۳) پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است که جلوه‌های عدل، انصاف و لاضرر در فرآیند

۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق آن به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. همچنین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که حکومت اسلامی از طریق زکات، خمس، غنیمت‌های جنگی، خراج، جزیه، انفال منابع مالی خود را تأمین می‌کند. پس از تأمین منابع، حکومت باید منابع مزبور برای اجرای عدالت اقتصادی، برقراری ثبات در بازار و در نهایت تهیه نیازمندی‌های ضروری اکثریت مردم و جلوگیری از نارضایتی عامه و شورش‌های خطرناک به کارگیرد. این موارد از جمله عوامل اصلی در ایجاد تورم در بازار محسوب می‌شوند. حکومت اسلامی می‌بایست تخصیص منابع به ترتیب فوق را با در نظر گرفتن اصول عدل، انصاف و لاضرر انجام دهد.

۵. بحث

در این قسمت ابتدا به تبیین متغیرهای اصلی پژوهش پرداخته خواهد شد.

۵-۱. جامعه‌شناسی و تاثیر آن بر اقتصاد

از همان ابتدای شکل‌گیری جامعه‌شناسی مدرن، یعنی دوره کلاسیک در مطالعات و نظریه‌های جامعه‌شناسی، به پدیده‌های اقتصادی توجه شده است. مثال‌های برجسته آن نیز کتاب‌های اقتصاد و جامعه اثر ماکس وبر (۱۳۹۷) و تقسیم کار اثر امیل دورکیم (۱۳۹۶) یا مطالعه جورج زیمل

حمایت از شهروندان از سوی حکومت اسلامی در اقتصاد تورم‌زا چیست؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این است که، اصول عدل، انصاف و لاضرر در دو مرحله به نقش‌آفرینی می‌پردازند، اول در تأمین منابع مالی حکومت اسلامی اعم از خمس، زکات، انفال، جزیه، غنائم جنگی و خراج؛ دوم در مرحله تخصیص منابع مالی حکومت اسلامی و به طور خاص اجرای عدالت اقتصادی، برقراری ثبات در بازار و در نهایت تهیه نیازمندی‌های ضروری اکثریت مردم و جلوگیری از نارضایتی عامه و شورش‌های خطرناک که از عوامل اصلی ایجاد تورم در اقتصاد می‌باشند. در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، مقالات محدود نگارش شده است در همین راستا می‌توان به مقاله خرام و همکاران تحت عنوان «مسئولیت مدنی دولت در جبران هزینه ناشی از اقتصاد تورم‌زا» اشاره نمود. از نظر نویسندگان، «یکی از پدیده‌های مؤثر اقتصادی و اجتماعی که بعضاً دولت‌هایی که توانایی کنترل آن را ندارند از آن به عنوان پدیده‌ای ساختاری تعبیر می‌کنند، تورم است. تورم یکی از مؤلفه‌های مورد بررسی در اقتصاد کلان است لکن زمانیکه تدبیر مؤثری برای کنترل آن وجود نداشته باشد، تبدیل به معضلی به نام اقتصاد تورم‌زا می‌شود. دولت بازیگر اصلی در کنترل تورم یا تشدید آن است. اعمال دولت هم در وضع قانون و مقرر و هم در اعمال تصدی، می‌تواند اقتصاد تورم‌زا را بیافریند.» تمرکز این مقاله بر مسئولیت دولت در جبران خسارات وارده به شهروندان می‌باشد در حالی که تمرکز پژوهش حاضر بر حمایت از حقوق شهروندان است.

کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه است. در توضیح تورم ساختاری باید به عواملی از قبیل کمبود زیربناها و زیرساخت‌های اقتصادی، گسترده‌بودن بخش دولتی و تضعیف بخش خصوصی یا وجود قوانین و مقررات بازدارنده فعالیت‌های تولیدی بخش خصوصی، کسری بودجه مداوم دولت، گستردگی بخش خدمات نامتناسب با نیاز اینگونه جوامع که در سرویس‌دهی به بخش گسترده دولت رشد می‌کند، گسترش بی‌رویه و شدید شهرنشینی، رشد سریع جمعیت و مواردی از این دست اشاره کرد (Chowdhury, 2024, 90-91).

از نظر جامعه‌شناسان، تورم پدیده‌ای یکدست نیست. جامعه‌شناسانی که نگاهی تضادگرا دارند و از منتقدان جامعه سرمایه‌داری مبتنی بر بازار به شمار می‌روند، تورم نشانگان (سندروم) تضاد گروه‌های مختلف، ضعف دولت‌ها و سازوکاری برای شکست دشمنان طبقاتی است. تورم از ساختار جامعه‌ای ناشی می‌شود که در آن تعادل نیروهای اجتماعی و منابع برقرار نیست (Cleaver, 2023, 17-18).

گلدتورپ، موضوع تورم را به اقتصاد بازار سرمایه‌داری ربط می‌دهد و معتقد است به‌صورت تاریخی ارزیابی اقتصاددانان و جامعه‌شناسان از اقتصاد بازار سرمایه‌داری متفاوت بوده است. اقتصاددانان تمایل دارند این اقتصاد را دارای تمایل ذاتی به ثبات در نظر بگیرند؛ اما جامعه‌شناسان بیشتر بر بی‌ثباتی و پیامدهای بی‌ثبات‌کننده اقتصاد بازار بر جامعه تأکید دارند. برای جامعه‌شناسان، تورم در اقتصاد بازار، نشانگانی (سندورم) از تفکیک و تقسیم‌های اجتماعی است که اقتصاد بازار آن را ایجاد کرده است (Dransfield, 2024, 336)؛ از این‌رو، برای

درباره پول است. برای برخی جامعه‌شناسان کلاسیک همچون کارل مارکس (۱۳۸۶) نیز تصور تحولات و فرایندهای اجتماعی بدون اقتصاد امکان ندارد؛ از این‌رو، نام مهم‌ترین کتاب خود را سرمایه می‌گذارد؛ بنابراین، از همان ابتدا جامعه‌شناسان اقتصاد را بخشی مهم از جامعه در نظر داشتند و جامعه‌شناسان معاصر نیز به همین صورت به اقتصاد پرداختند. در طول تاریخ جامعه‌شناسی، مفاهیم اقتصادی همچون مالکیت، پول، سرمایه، منفعت، مبادله و ... در ادبیات نظری جامعه‌شناسی لانه کرده است. با وجود این، جامعه‌شناسان به‌ندرت به مفهوم تورم توجه کرده‌اند. تورم به‌طور عمده مسئله و پدیده‌ای اقتصادی تلقی می‌شود و به همین دلیل، به‌طور عمده اقتصاددانان به آن توجه کرده‌اند و جامعه‌شناسان کمتر به این موضوع وارد شده‌اند. رشد حوزه جامعه‌شناسی اقتصادی موجب شده است جامعه‌شناسان بیشتری در دهه‌های اخیر به موضوعات اقتصادی توجه کنند. از نظر جامعه‌شناسان، کنش اقتصادی بدون عنصر اجتماعی، گوشت بدون استخوان است که هیچ وحدت و ثباتی ندارد. برای جامعه‌شناسان اقتصادی، این امر که جامعه از اقتصاد جداست، غیرواقعی و ناشی از سوءتفاهیم نئوکلاسیک‌هاست (Bernholz, 2015, 41-42).

نظریه‌های اقتصادی متعددی درباره تورم وجود دارند که به‌طور عمده تبیین‌کننده تورم‌اند. از بین نظریه‌های اقتصادی، نظریه تورم ساختاری به رویکرد جامعه‌شناختی نزدیک‌تر است. این نظریه بدان معنی است که به‌دلیل وضعیت مربوط به ساختار اقتصادی، سیاسی، حکومتی، فرهنگی و مواردی از این دست، تورم بروز کرده است و تداوم می‌یابد. تورم ساختاری به‌طور عمده خاص

۵-۲-۱-۱. عمران و آبادانی

حاکم حکومت اسلامی باید کارگزاران خود را به آبادانی کشور مأمور سازد؛ در این خصوص اشاره به عهدنامه امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر جالب توجه است: هذا ما أمر به عبدالله علیّ أمير المؤمنين مالک ابن الحارث الاشتر... جبایه خراجها و جهاد عدوها و إستصلاح أهلها و عماره بلادها (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، ۹۹۱). این دستوری است از بنده خدا علی امیر مؤمنان به مالک بن حارث اشتر، هنگامی که وی را والی مصر قرار داد تا مالیات‌های آن‌جا را گردآورد و با دشمنان آن بجنگد و به اصلاح حال مردم همت گمارد و شهرها و دستاوردهای آن را آباد سازد. وقتی به امام علی علیه السلام اطلاع دادند و هنگامی که که شنید، خوارج شعار می‌دادند: «لا حُکْمَ الاّ لِلّهِ»، فرمود: «سخن حقی است که از آن، باطل اراده می‌شود» و فرمودند: آری درست است که فرمانی جز فرمان خدا نیست، اما اینان می‌گویند: زمامداری فقط از آن خدا است؛ حال آن‌که مردم نیازمند زمامدار هستند؛ خواه نیکوکار و خواه بدکار تا مؤمنان در سایه حکومت وی به کارهای خود مشغول باشند و کافران نیز بهره‌مند شوند و مردم، روزگار خویش را بگذرانند و به‌وسیله این زمامدار، اموال عمومی جمع و شرّ دشمنان دفع و راه‌ها امن شود و حقّ ضعیف از قوی ستانده شود تا نیکوکاران در رفاه، و مردم از دست بدکاران آسوده باشند (اطاعت، ۱۳۸۹، ۹۷-۹۸).

۵-۲-۱-۲. تجهیز و تخصیص منابع مالی

هر حکومتی هرچند ابتدایی و ساده باشد، نیازمند منابع مالی است تا از طریق آن، مخارج دولتی خود را تأمین کند. حتی قدیم‌ترین حکومت‌ها ناگزیر بود برای باقی ماندن در قدرت، سه نوع

جامعه‌شناسان اثری که بر ساختارها و فرایندهای اجتماعی می‌گذارد، مهم است. از نظر گلدتورپ تورم در تغییر شکل قشربندی جوامع سرمایه‌داری ریشه دارد و نشان‌دهنده این است که تضاد بین گروه‌ها و قشرهای اجتماعی عمیق‌تر شده است. در این شرایط قشرهای کمتربرخوردار، به رهایی از محدودیت‌ها و دنبال کردن منافع خود تمایل دارند. گلدتورپ به سه فرایند اثرگذار در این زمینه اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: زوال نظم منزلتی، تحقق شهروندی و ظهور طبقه کارگر بالغ (رشدیافته). این سه عامل شرایطی را به وجود آورده‌اند که انتظارات قشرهای کمتربرخوردار افزایش یابد و تلاش کنند محدودیت‌ها را کنار بزنند (Blyth and Fraccaroli, 2025, 124-125). با توجه به نظریه‌های بالا و پژوهش‌های انجام‌شده، می‌توان گفت تورم به‌منزله پدیده ساختاری پیامدهای مهمی برای سطح کنش و عاملیت انسانی در بر دارد. برخی از این پیامدها در قالب زیر فشار قراردادن کنش فردی و اجتماعی خود را نشان می‌دهند. برخی نیز از دریچه تغییر در منش، ذهنیت، نگرش‌ها و ارزش‌ها بروز می‌یابند.

۵-۲. مداخله حکومت اسلامی در اقتصاد

در این قسمت به وظایف اقتصادی حکومت اسلامی و مداخله آن در اقتصاد پرداخته خواهد شد.

۵-۲-۱. وظایف حکومت اسلامی در اقتصاد

در منابع فقهی، وظایف حکومت اسلامی در قالب وظایف حاکم یا رهبر جامعه اسلامی بیان شده است؛ زیرا تمام دستگاه حکومتی مشروعیت خود را از حاکم اخذ می‌کند. در این قسمت اهم وظایف حکومت اسلامی تبیین می‌گردد.

نسخه اولیه جامعه اسلامی، یکی از اولین وظایفی که پیامبر بر عهده گرفته بود، تجهیز و تخصیص منابع مالی به افراد بود.

۵-۲-۱-۳. گرفتن مالیات از ثروتمندان

و پرداخت آن به بینوایان

نظام مالیات‌های اسلامی از آغاز به گونه‌ای بود که اغلب از ثروتمندان گرفته و به بینوایان پرداخت می‌شد؛ برای مثال در زکات، کم‌ترین نصاب شتر پنج، گاو ۳۰ و گوسفند ۴۰ رأس بود و در کم‌تر از این‌ها زکات واجب نبود. طلا تا وقتی به ۲۰ دینار، نقره به ۲۰۰ درهم (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ۱۷۵-۱۰۸) و وزن محصول غلات چهارگانه، به پنج «وسق» حدود ۸۴۷ کیلوگرم (خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۱۱۹) نمی‌رسید، از زکات معاف بود که نشان‌دهنده بخشودگی مالیاتی درآمدهای پایین است. در خمس که عمده‌ترین دریافتی آن به درآمد کسب مربوط می‌شود، در صورتی که از مخارج سال اضافه می‌آمد، یک پنجم باقی مانده گرفته می‌شد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ۴۹۹).

بیت‌المال از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم وجود داشت (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۹۹)؛ هر چند به سبب تقسیم سریع اموال عمومی بین مسلمانان، جای مشخصی برای آن در نظر گرفته نمی‌شد. غنیمت‌های گرد آمده در جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم که به طور موقت در یک محل نگهداری می‌شد، مانند جنگ حنین؛ یا اموالی که در اختیار بعضی از یاران خود می‌گذاشت و آنان را مأمور کمک به بینوایان یا گروه‌های خاص می‌کرد، مانند بلال که مأمور مخارج و انفاقات حضرت بود (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ۱۱۷)، همه این‌ها از وجود بیت‌المال حکایت داشت. این‌ها، نشانه آن است که بخش اصلی مالیات دریافتی دولت اسلامی از ثروتمندان بوده

مخارج دولتی داشته باشد: ۱. هزینه تهیه سازو برگ نظامی و اجیر کردن مردان جنگی؛ ۲. هزینه پرداخت حقوق کارگزاران و کارمندان دولتی؛ ۳. منابع مالی برای تهیه نیازمندی‌های ضرور اکثریت مردم و جلوگیری از نارضایتی عامه و شورش‌های خطرناک (Hood and others, 2023, 17-18).

در آغاز استقرار نظام اسلامی در مدینه، کمبود منابع مالی چشمگیر بود. مهاجران که پیام‌آوران انقلاب بودند، فراریانی و گرسنه بودند که قریش به آنان اجازه نداده بود اموالشان را همراه بیاورند. انصار هم بیش‌تر از راه کشاورزی و دامپروری روزگار می‌گذرانیدند و میان آنان، از ثروت‌های هنگفت تاجران مکه خبری نبود. ایثار آن‌ها در تقسیم دار و ندارشان با مهاجران، سطح زندگی‌شان را از گذشته نیز پایین‌تر آورد. سال‌های آغازین هجرت، سال‌های فقر و صبر بود. بزرگ‌ترین مشکل رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در آن هنگام، سیر کردن و پوشاندن تازه مسلمانانی بود که از گوشه و کنار شبه‌جزیره، به مدینه هجرت می‌کردند. گروهی از آنان که بی‌نهایت فقیر بودند و در مدینه هیچ کس‌وکاری نداشتند، جایگاهی در آخر مسجد رسول خدا داشتند که روز و شب را همان‌جا می‌گذراندند و به «اهل صفه» معروف شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آنان را با اموال صدقات و هدایایی که گهگاه می‌رسید، اداره می‌کرد و تعداد آن‌ها را تا ۴۰۰ تن نوشته‌اند. یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم چنان فقیر بودند که حضرت، پیش از جنگ بدر، درباره‌شان چنین دعا کرد: خدایا اینان پابره‌اند، سوارشان کن؛ برهنه‌اند، بپوشانشان؛ گرسنه‌اند، سیرشان کن و نادارند، بی‌نیازشان کن (Razek, 2013, 67-68) در نتیجه در همان سال‌های ابتدایی شکل‌گیری

است. هرکس زودتر بساط خود را در جایی از بازار بگستراند، به استفاده از آن تا شبانگاه، سزاوارتر است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵، ۱۵۵)

امیر مؤمنان علیه‌السلام، هنگامی که مشاهده کرد، بعضی برای خود دکان‌هایی در بازار ساخته‌اند، فرمان داد تا آن‌ها را خراب کنند و فرمود: هرکس (صبحگاه) زودتر مکانی را دریابد، در استفاده از آن بر دیگران مقدم است؛ بدین سبب، هر فروشنده‌ای هر روز در گوشه‌ای از بازار، کالای خود را می‌فروخت (نظریور، ۱۳۸۰، ۳۱-۳۲)؛ امام صادق علیه‌السلام در مورد مردی که کالای خود را به قیمت مشخصی می‌فروخت و برای هرکس که بدون سخنی آن را می‌خرد، قیمت همان بود، ولی اگر کسی چانه می‌زد، بر وی آسان می‌گرفت، فرمود: مرا از کار وی خوش نمی‌آید، مگر این‌که به همه یکسان بفروشد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ۳۹۸) البته این در مورد بازاری بود که از گذشته در اختیار عموم قرار داشت یا حکومت آن را در اختیار مردم نهاده بود؛ چون تردیدی نیست که فروشنده می‌تواند در ملک خود، دکانی بنا کند. در هر حال، از این روایات فهمیده می‌شود که نظام اسلامی، در تقسیم فرصت‌های شغلی در تولید و تجارت باید عادلانه عمل کند. حتی از روایات استفاده می‌شود که بهتر است فروشندگان نیز بین مشتریان تفاوت نگذارند.

۵-۲-۱-۴-۲. جلوگیری از جمع شدن

ثروت‌های حرام

برای رسیدن به این هدف، برخی از راه‌های کسب ثروت که از جاهلیت وجود داشت، ممنوع شد که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد:

اول تحریم غش: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از تقلّب در معاملات نهی کرد و فرمود: هرکسی

است و اگر بینوایان گاه به پرداخت مجبور بوده‌اند، به علت ناچیز بودن آن، قابل چشم‌پوشی است. از سوی دیگر، توزیع ثروت‌های عمومی و مالیات‌های گرفته شده، به گونه‌ای بود که طبقات پایین جامعه، بیش‌ترین بهره را می‌بردند، زیرا موارد مصرف مالیات‌های مزبور، در بیش‌تر اوقات صاحبان درآمدهای پایین بودند و در موارد کمی که این پرداخت‌ها به ثروتمندان نیز می‌رسید، سهم همگان مساوی بود.

۵-۲-۱-۴. اجرای عدالت اقتصادی

یکی دیگر از وظایفی که دولت را به دخالت در اقتصاد وا می‌دارد و در قبال آن مسولیت دارد، اجرای عدالت اقتصادی است که در ادامه عناصر آن مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۵-۲-۱-۴-۱. ایجاد فرصت‌های برابر

برای همه مردم در تولید و تجارت

برای رسیدن به این مهم در امر تولید، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ثروت‌های عمومی را یکسان در اختیار مردم گذاشت. همه را در بهره‌گیری از آتش، آب و چراگاه مساوی قرار داد و فرمود: زمین‌های مرده از آن خدا و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، پس هرکسی بخشی از آن را احیا کند، از آن وی خواهد بود. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ۱۵۲). هرکس زودتر از سایر مسلمانان چیزی را حیات کند، به برخورداری از آن سزاوارتر است، و نقل است که پس از سخن رسول خدا، مردم برای خط‌کشی اراضی و حیات ثروت‌های زمین بیرون شتافتند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵، ۴۱۱)

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حقّ تجارت در محلی را که جهت بازار آماده شده بود، برای همه یکسان قرار داد و در همین راستا حضرت علی (ع) فرمود: بازار مسلمانان، همچون مسجد آنان

برای مثال، صد درهم طلب داشت. چون مهلت فرامی‌رسید، بدهکار را می‌گفت: مبلغ وام را بیفزای تا تو را دوباره مهلت دهم و چه‌بسا بر دویست درهم توافق می‌کردند؛ تا مهلت دوم می‌رسید و بدهکار تنگدست، از پرداخت ناتوان بود و ناگزیر باز مهلت می‌خواست و پس از چند بار مهلت خواستن و افزوده شدن مبلغ، بدهی، چندین برابر و غیرقابل پرداخت می‌شد. (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۹، ۲۶۶)؛ بدین سبب خدای تعالی در آیه سوم از سوره آل‌عمران فرمود: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را چندین برابر نخورید و از خدا بترسید.

وقتی قبیله ثقیف ایمان آوردند، رباهایی را از بنی‌مغیره طلب داشتند. چون مهلت آن رسید، از بنی‌مغیره خواستند که بدهی خود را بپردازند و آنان سر باز زدند تا شکایت، نزد عتاب بن اَسید، عامل رسول خدا در مکه بردند و عتاب ماجرا را به پیامبر نوشت؛ پس، آیه ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره نازل شد: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِن تُبْتَمُوا فَلَکُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تُظْلَمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و آنچه از (مطالبات) ربا مانده است، رها کنید اگر ایمان دارید. اگر چنین نکنید، آماده جنگ با خدا و رسول خدا باشید و اگر توبه کنید، (اصل) سرمایه‌هایتان از آن شما است؛ نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم می‌رود. بدین‌گونه، با تحریم ربا یکی از راه‌های اصلی جمع شدن ثروت‌های حرام مسدود شد.

چهارم تحریم غصب و معاملات اکراهی: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خطبه حجۃ‌الوداع

در خرید و فروش به مسلمانی خیانت کند، از ما نیست و روز قیامت با یهود محشور می‌شود؛ چون آنان فریبکارترین مردمانند حضرت، از آمیختن آب با شیر به قصد فروش نهی فرمود و آن را «غش» دانست. روزی در بازار مدینه توده‌ای طعام (گندم، جو و مانند آن) دید. فروشنده را گفت: طعام تو را نیکو می‌بینم! آن‌گاه از قیمت پرسید؛ سپس به الهام خدایی فریب وی را دریافت. دست در طعام فرو برد و طعامی پست را بیرون آورد و فرمود: تو را نمی‌بینم، مگر این که خیانت و غش با مسلمانان را در سر جمع کرده‌ای (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ۲۸۲)

دوم. تحریم احتکار: رستول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از احتکار نهی کرد و فرمود: طعام را احتکار نمی‌کند، مگر خطاکار و نیز فرمود که هر که احتکار کند تا بدین‌وسیله، گرانی را بر مسلمانان تحمیل کند، خداوند از او بری است (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۲۲، ۴۸۱) زمانی در مدینه طعام کمیاب شد. مسلمانان به آن جناب شکایت بردند. حضرت محتکران را امر فرمود که کالاهای احتکار شده را به وسط بازار و برابر دیدگان مردم بیاورند و به فروش رسانند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ۴۲۹) امیر مؤمنان علیه‌السلام به پیروی از سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، جلوگیری از احتکار را از شؤون حکومت دانست و مالک را فرمان داد: از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا از آن نهی فرمود، و هرگاه کسی بعد از نهی تو، به احتکار دست زد، وی را کیفر کن (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۵، ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸).

سوم تحریم ربا: در جاهلیت، برخی، از راه ربا، ثروت‌هایی گزاف اندوخته بودند. نرخ بهره گاه بسیار بالا بود؛ به‌گونه‌ای که در پایان، به بردگی وام‌گیرنده می‌انجامید. کار چنین بود که کسی،

روی اضطرار، مجبور می‌شوند تعرفه‌های سنگین و غیرمنصفانه گروهی از پزشکان متخصص را بپردازند یا کارگران به سبب اوضاع نامساعد بازار کار، از روی اضطرار گاه با یک سوم مزد واقعی مشغول فعالیت هستند و بسیاری مثال‌های دیگر. در همه این موارد، از جهت قواعد فقهی، اشکالی وجود ندارد و خرید و فروش و اجیر شدن افراد مضطر صحیح است؛ اما دولت اسلامی که یکی از وظایف اصلی‌اش، اجرای عدالت اقتصادی است و مأموریت دارد حق ضعیف را از قوی بستاند، لازم است در اقتصاد دخالت کند و وضعیّت را به گونه‌ای سامان دهد که بعضی از قشرهای اجتماعی، به سبب اضطرار، وادار نشوند، در دوره‌ای طولانی و حتی در کلّ زندگی خود، غبن و زیان مداوم را تحمل کنند.

۵-۲-۲. تأمین منابع مالی حکومت اسلامی جهت اعمال عدل و انصاف در جامعه

در این قسمت به تبیین راهکارهای تأمین مالی حکومت اسلامی پرداخته خواهد شد.

۵-۲-۱. زکات

زکات، در سال دوم هجری تشریح شد و دو نوع بود: زکات ابدان و زکات اموال. زکات ابدان، مالیات سرانه‌ای بود که با دیدن هلال شوال، واجب می‌شد و مقدار آن یک «صاع»، معادل سه کیلو قوت غالب همچون خرما، کشمش و جو بود. نخست گندم کمیاب بود؛ ولی در زمان عثمان فراوان شد و چون عثمان قیمت آن را میان مردم دانست، نصف صاع گندم را به جای یک صاع جو قرار داد، و درباره معاویه نیز این گفته شده است. روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهد در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از گندم هم یک صاع واجب بود (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱، ۲۵۳)، و این،

فرمود: مسلمانان برادر یک‌دیگرند. برای هیچ مسلمانی، مال برادرش بدون رضایت او حلال نیست حرمت اموالتان برای یک‌دیگر، مانند حرمت امروز عید قربان در این ماه ذی حجه در این شهر مکه است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ۱۲۰). همچنین نبی مکرم اسلام (ص) از بیع مضطر نهی فرمود (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ۴۴۸) امیرمؤمنان علیه‌السلام نیز بیع مضطر را ناروا دانست و فرمود: زمانی در پیش است سخت که ثروتمندان بر آن چه در دست دارند، دندان بفشارند؛ در حالی که چنین فرمانی به آن‌ها داده نشده و خداوند سبحان فرموده است: «وَلَا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ» (بقره: آیه ۲۳۷)؛ بخشندگی بین خود را فراموش نکنید. آن زمان، بدکاران چیره و نیکان خوار شوند. بینوایان دار و ندار خود را به اضطرار فروشند؛ حال آن که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از معامله مضطر نهی فرموده است (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۵، ۱۳۰۰)

فقیهان شیعه، اجماعاً غصب را حرام دانسته و خرید و فروش مکره را باطل شمرده‌اند؛ اما به اتفاق، خرید و فروش مضطر را صحیح می‌دانند و این مطلبی درست و مطابق قواعد فقه است. اکنون می‌شود، مسأله بیع مضطر را از زاویه دیگری بررسی کرد و آن وظیفه دولت اسلامی در برابر معاملات اضطراری است. به نظر می‌رسد، امروزه موارد بیع مکره، اندک است و بیش‌تر حالت شخصی دارد، برخلاف بیع مضطر که موارد آن بسیار و رو به گسترش است؛ برای مثال، برنجکاران شمال کشور که تولید کننده این کالای اساسی هستند، از روی اضطرار و برای تأمین مخارج ضرور خود، ناگزیرند محصول برنجشان را پیش از برداشت، به بهایی بسیار کم‌تر از قیمت واقعی، به افراد سلف خر بفروشند یا افراد بیمار از

دلالت می‌کند که مقدار «صاع» در زکات فطره موضوعیت دارد؛ به این دلیل، فقیهان شیعه در گندم نیز مانند سایر اقوات، یک صاع را لازم می‌دانند؛ البته به دلالت روایات می‌توان قیمت یک صاع از قوت غالب را پرداخت. از بعضی روایات استفاده می‌شود که زکات فطره یا قیمت آن، به امام پرداخت می‌شود، و در برخی روایات، بیان شده که امام آگاه‌تر است، آن را کجا مصرف کند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۶۱-۶۲).

زکات اموال که از چارپایان، در گاو و گوسفند و شتر و از غلات، در گندم و جو، و از میوه‌ها، در خرما و کشمش که اصطلاحاً به این چهارچیز «غلات اربع» می‌گویند و از فلزات قیمتی، در طلا و نقره مسکوک واجب شد (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱، ۵۳). در قرآن به‌طور مفصل به اموالی که زکات در آن واجب می‌شود و مقدار نصاب هر یک اشاره‌ای نرفته است. این‌ها را در روایات می‌توان یافت؛ اما موارد مصرف هشتگانه زکات در آیه ۶۰ توبه، بیان شده است که از آن درمی‌یابیم، زکات، مالیاتی نیست که به خزانه دولت واریز و بنا به مصلحت تخصیص داده شود؛ بلکه در حکم عوارضی است که موارد مصرف آن مشخص است. فقط یکی از موارد مصرف هشتگانه، یعنی «فی سبیل‌الله»، بنا بر عقیده اکثر فقیهان شیعه عام است و از آن به‌صورت مطلق کارهای خیر نام می‌برند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۵: ج ۴، ص ۱۶۴)، و روایتی در تأیید همین معنا وجود دارد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ۲۱۲)؛ اما اندکی از فقیهان، «فی سبیل‌الله» را مختص به مخارج مجاهدان در راه خدا می‌دانند (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ۳۳). رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم افرادی را برای جمع‌آوری زکات به اطراف می‌فرستاد که نام آن‌ها در کتاب‌های تاریخی آمده است. امیر مؤمنان

علیه‌السلام نیز افرادی را برای گردآوری زکات گسیل می‌داشت که برخی از موارد آن و آدابی که حضرت، رعایت آن را در گرفتن زکات سفارش می‌فرمود، در کتاب‌های روایی آمده است. فقیهان شیعه، تردیدی ندارند که در صورت حضور پیامبر علیه‌السلام و امام علیهم‌السلام و درخواست آن‌ها، پرداخت زکات به آن‌ها واجب است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۶۱-۶۲)، و در صورت عدم حضور معصوم علیه‌السلام، پرداخت به فقیه جامع شرایط مستحب است؛ در صورت درخواست ولی‌فقیه، بنا بر ادله مثبتة ولایت فقیه، پرداخت زکات به وی واجب است (مطهری، ۱۴۰۳، ۲۴).

۵-۲-۲-۲. خمس

خمس در سال دوم هجری و پس از نزول آیه غنیمت (سوره انفال، آیه ۴۱) واجب شد و این بعد از اختلاف اصحاب بر سر تقسیم غنایم جنگ بدر بود؛ البته شواهدی وجود دارد که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیش از آن، اموالی را به‌صورت خمس گرفته است؛ از جمله، غنایم سرّیه عبیدالله بن جحش که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خمس آن را گرفت و باقی بین افراد شرکت‌کننده در سرّیه تقسیم شد و این سرّیه در ماه رجب، دو ماه پیش از غزوه بدر اتفاق افتاد (نراقی، ۱۴۱۷، ج ۱، ۱۱۲). خمس، شش سهم می‌شد که سه سهم آن طبق آیه شریفه، برای خدا و رسول و ذی‌القربی و سه سهم باقیمانده، از آن فقیران بنی‌هاشم بود. در صدر اسلام، خمس در اختیار رسول خدا قرار داشت که با آن به فقیران بنی‌هاشم کمک می‌کرد و اگر میزان آن بسیار بود، به جهت کمک یا تألیف قلب به دیگران نیز می‌داد. فقیهان شیعه، با تکیه بر احادیث امامان معصوم علیهم‌السلام معنای «غنیمت» در آیه شریفه را عام گرفتند و مطلق درآمدهای کسب

ما به کار کشاورزی آشناتریم، املاک خبیر، به شرط تحویل نصف محصول سالیانه، در دست ما باشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به شرط پرداخت نیمی از محصول و این که هر زمان بخواهند از آن جا بیرون روند، زمین ها را به آن ها واگذاشت، و این زمین ها همچنان در دست آنان بود تا این که عمر، زمین ها را از آن ها پس گرفت و یهودیان را از شبه جزیره بیرون راند. پس از گسترش اسلام، به ویژه بعد از فتح ایران، درآمد خراج که در آغاز در مقایسه با غنایم کم تر بود، رو به افزایش نهاد و این با توجه به گستردگی زمین های آباد فتح شده و بازگشت ثبات سیاسی، طبیعی می نمود، ضمن این که عادلانه بودن درصد خراج در مقایسه با مالیات های اخذ شده به وسیله شاهان، باعث تشویق کشاورزان و افزایش محصول شد. خراج در طول قرن ها، یکی از باثبات ترین درآمدهای دولت های اسلامی به شمار می رفت، و برای متعادل سازی زندگی افراد بکار می رفت زیرا با کاسته شدن از دامنه جنگ ها، سیل غنایم فروکش کرد و با مسلمان شدن اهل کتاب که در سرزمین های اسلامی می زیستند، مبالغ دریافتی به صورت جزیه نیز کاهش یافت، حال آنکه خراج، تحت تأثیر این عوامل قرار نمی گرفت و از هر که بر روی زمین ها کار می کرد، چه مسلمان و چه کافر گرفته می شد. با توجه به اهمیت خراج بود که وقتی عمر درباره زمین های حاصل خیز سواد کوفه با اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مشورت کرد و برخی از آنان گفتند: «آن ها را میان ما قسمت کن»، چون از امیر مؤمنان علیه السلام مشورت خواست، حضرت علیه السلام فرمود: اگر امروز آن را بخش کنی، برای کسانی که پس از ما باشند، چیزی نمی ماند، پس آن را بدیشان بسپار تا روی آن کار کنند و برای ما و

شده را مشمول خمس دانستند. (حرّعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ۴۹۹)، این برداشت، خمس را به صورت مالیات تناسبی مؤثری در آورد که با توجه به نرخ بالای آن (۲۰ درصد) برای تأمین مخارج دولت اسلامی می تواند بسیار راهگشا باشد؛ اما در عمل، چون خلفای اسلامی، در غالب موارد تحت تأثیر فقیهان اهل سنت بودند و آنان هم مکاسب را مشمول خمس نمی دانستند، دولت ها از استفاده از این مالیات محروم ماندند؛ البته فقیهان اهل سنت در مال التجاره، زکات را واجب دانستند (شیخ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ۱۳۷)؛ ولی میزان آن یک چهلیم (۲/۵ درصد) بود که هم از جهت درصد با خمس قابل مقایسه نبود و هم مثل آن، در مقایسه با کل درآمدها عمومیت نداشت. خمس در جایگاه مالیات، چنان چه به طور کامل گرفته شود، نقش اصلی در اداره حکومت اسلامی خواهد داشت؛ به ویژه که با مقتضیات جامعه صنعتی تناسب کامل دارد و به سبب این که خمس، پس از کسر مخارج مصرفی ضرور فرد گرفته می شود، به طور کامل عادلانه است و در وضعیت توزمی که هزینه های فرد افزایش می یابد، اگر درآمد وی به طور متناسب افزایش نیافته باشد، خود به خود از میزان مالیات پرداختی کاسته می شود.

۵-۲-۲-۳. خراج

نوعی مال الاجاره بود که بر زمین های فتح شده با جنگ (مفتوح العنوة) وضع می شد. بعضی از فقیهان، آن را در معنای «مقاسمه» می گیرند، جز این که در مقاسمه، مال الاجاره بخشی از محصول زمین است؛ ولی در خراج، پولی است که مقدار آن را ولی امر، بنا به مصلحت مسلمانان تعیین می کند (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱، ۷۰)، نخستین درآمد مهمی که از این راه نصیب نظام اسلامی شد، پس از فتح خبیر بود که یهودیان پیشنهاد کردند: چون

آیندگان هر دو باشد (رمضانی و دیگران، ۱۴۰۳، ۱۱۹-۱۲۰)

در حکومت امیر مؤمنان، خراج سهم بسیار مهمی در دریافت‌های دولت داشت تا جایی که حضرت به مالک درباره خراج مصر، این‌گونه دستور می‌دهد: به کار خراج چنان رسیدگی کن که باعث اصلاح حال اهل خراج شود؛ زیرا با تنظیم درست خراج و بهبود معیشت خراجگزاران، وضع زندگی باقی مردم نیز بهبود می‌یابد، و مردم در رفاه نباشند، مگر با مالیات اهل خراج. به درستی که مردم همه نانخور خراجگزاران شمرده می‌شوند (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، ۱۰۱۳)

۵-۲-۲-۴. جزیه

جزیه، مالیات ثابت و سرانه‌ای بود که از کافران اهل کتاب (یهود و نصاری) و کسانی که کتاب آسمانی ایشان مورد تردید است (مجوس) گرفته می‌شد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ۱۲۷ و ۱۲۸). جزیه را از کودکان، زنان و دیوانگان (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ۱۳۱) نمی‌گرفتند؛ اما باقی افراد اگر چه فقیر بودند، باید آن را می‌پرداختند؛ اما تا هنگام قدرت پرداخت، به آن‌ها فرصت داده می‌شد (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۷، ۱۳ و ۶۱۴). این مالیات، مقدار مشخص نداشت و ولی‌آمر، مبلغی را به قدر طاقت افراد، تعیین می‌کرد. مبلغ جزیه، ممکن بود به افراد، زمین‌ها، چارپایان، درخت‌ها و غیر آن تعلق گیرد. امیر مؤمنان علیه‌السلام بر توانگران اهل ذمه، ۴۸ درهم، بر افراد متوسط ۲۴ درهم، و بر فقیران آنان ۱۲ درهم جزیه قرار داد و پیش از او عمر (با مشورت با حضرت) همین مبلغ را قرار داده بود (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ۱۵۳). نخستین بار، جزیه از مسیحیان نجران گرفته شد و پس از آن، اهالی بحرین که مجوس بودند، جزیه پرداختند؛ سپس کار جزیه بالا گرفت و با گشوده

شدن سرزمین‌های امپراتوری روم که مسیحیان متعصبی داشت و به‌طور معمول از قبول اسلام سر باز می‌زدند و به جزیه تن می‌دادند، به دریافتی این مالیات افزوده شد و در یکی از دو قرن اول، به صورت یکی از اقلام مهم درآمدی نظام اسلامی درآمد. پس از آن، با نفوذ فرهنگ اسلامی و نیز فشار اقتصادی جزیه، بسیاری از مسیحیان، به مسلمانی تن دادند و از دریافتی جزیه کاسته شد و خلفا این را خوش نداشتند، تا جایی که برخی از آنان، چنین مقرر ساختند که اسلام آوردن، سبب برداشته شدن جزیه نمی‌شود؛ حال آن‌که بین فقیهان اهل سنت، این‌که از مسلمان نمی‌شود جزیه گرفت، اصل پذیرفته شده‌ای است (موسوی جوردی، ۱۴۰۱، ۸۹-۹۰)

۵-۲-۲-۵. انفال

انفال در زمان صدر اسلام شامل این موارد بود: ۱- چیزهایی که بدون جنگ به دست مسلمانان می‌افتاد، زمین یا غیر آن که صاحبانشان از آن جا کوچ می‌کردند یا به اختیار خود، آن را به مسلمانان می‌دادند؛ ۲- اراضی موات، شهرهای متروک و خراب شده؛ ۳- ساحل دریاها و کناره رودخانه‌ها (امام خمینی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۳۶۸)؛ ۴- قلعه کوه‌ها و آنچه از درختان، رویدنی‌ها و سنگ‌ها در آن است و دشت‌ها و بیشه‌ها و نیزارها؛ ۵- قطایع (زمین‌ها) و صوافی (اموال منقول) پادشاهان در حال جنگ با اسلام در صورتی که از مسلمان یا معاهدی غصب نشده بود؛ ۶- غنیمت‌های گزیده، مانند شمشیر و زره‌های کم‌نظیر و اسب‌های اصیل؛ ۷- غنیمت‌هایی که بدون اذن امام گرفته می‌شد؛ ۸- ارث کسانی که وارثی نداشتند؛ ۹- معادنی که مالک خصوصی نداشت. همه این‌ها، از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیه‌السلام بود

دینار پس انداز شده، باعث رونق تولید و تجارت هم می‌شد، درست برعکس آنچه اکنون در اقتصاد کشور ما اعمال می‌شود. در زمان کنونی، بعضی از راه‌های تأمین منابع مالی، مثل جزیه و غنیمت‌های جنگی بر روی دولت بسته است. گرفتن خراج هم با سوددهی اندک بخش کشاورزی - که مهم‌ترین علت آن ارزان ماندن تولیدات کشاورزی در مقایسه با تولیدات صنعتی و خدمات است، تناسبی ندارد. زکات در مورد تولیدات کشاورزی (غلات اربع) و تولیدات دامی (انعام ثلاثه) از جهتی به همان مشکل خراج مبتلا است و در مورد پول‌ها (نقدین) به بررسی‌های جدید فقهی نیاز دارد. انفال در جایگاه منبع مهم، همچنان مطرح است؛ اما بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در اموری مانند معدن، جنگلداری، احیای زمین‌های موات و مرداب‌ها و ساخت اسکله و مانند آن رغبت فراوانی ندارد و دولت هم دارای توان مالی کافی نیست که باید برای این مشکل چاره‌اندیشی شود. میان مالیات‌های اسلامی در زمان حاضر، خمس، بهترین گزینه‌ای است که با مقتضیات جامعه صنعتی تناسب کامل دارد؛ ولی هم نیازمند نگرش فقهی دقیق‌تر و هم محتاج انگیزه و عزم ملی و راهکارهای قانونی است.

۶. نتیجه

از میان قواعد مورد بحث، دو قاعده به صورت ایجاب احکام و یک قاعده به صورت نفی احکام به نقش‌آفرینی پرداخته‌اند. این امر نشان دهنده نقش منظومه‌وار و منظم در طراحی احکام اقتصادی است. قواعد عدل، انصاف و لاضرر به صورت مستقیم ضرورت مداخله حکومت اسلامی در اقتصاد را نشان می‌دهد. از این منظر مداخله دولت در اقتصاد نه در قامت یک بازیگر و جهت انجام معاملات و رقابت با بخش خصوصی، بلکه در

که آن‌طور که مصلحت می‌دانستند، به افراد وا می‌گذاشتند (کرکی، ۱۴۱۴: ج ۳، ۵۵ و ۵۶).

بعدها انفال در دست خلفا افتاد و آن‌ها مطابق میل خود در آن دخل و تصرف کردند. در اختیار داشتن انفال، دست حاکم اسلامی را برای دخالت در اقتصاد و جهت‌دهی به تولید و ایجاد اشتغال بازمی‌گذاشت، در نتیجه برای کنترل تورم امروزه کارآمد بود ضمن این‌که با استفاده از انفال، نظام اسلامی می‌توانست وضعیت توزیع درآمد و ثروت را در جامعه بهبود بخشد. با توجه به کیفیت منابع درآمد و تنوع فراوان آن و نیز این‌که همه مبالغ دریافتی را رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیر مؤمنان علیه‌السلام بی‌درنگ بین مسلمانان پخش می‌کردند و آن را به صورت کنز و ثروت شخصی در نمی‌آوردند می‌توان به میزان دخالت دولت در اقتصاد صدر اسلام پی برد. در واقع، این دریافت و پرداخت‌های دولت بود که رکود یا رونق اقتصادی، توزیع درآمدها، سیستم قیمت‌ها و متغیرهای اصلی اقتصاد مانند درآمد و مصرف را تعیین می‌کرد (رمضانی و دیگران، ۱۴۰۳، ۱۱۹-۱۲۰). به نظر می‌رسد که وقتی بیش‌تر محصول تولیدی از زمین‌های خراجی و اقطاع دولتی برداشت شود و حجم اصلی واردات، مربوط به غنیمت‌ها، خراج، جزیه و زکات باشد که طیف گسترده‌ای از کالاهای گوناگون، جواهرات قیمتی، درهم و دینار، چارپایان و محصولات کشاورزی را دربرمی‌گیرد، این جا است که نقش دولت در جهت‌دهی و اداره اقتصاد متکی بر عدل و انصاف، پررنگ‌تر از بخش خصوصی خواهد بود البته دولت اسلامی، هیچ‌گاه خود، عهده‌دار تولید و تجارت نمی‌شد و مالیات‌های دریافتی‌اش نیز منصفانه تعیین می‌شد و خاصیت ضدتولید و تجارت نداشت، بلکه به سبب مالیات گرفتن از درهم و

تأمین هزینه‌های حکومت اسلامی، با در نظر گرفتن اصول عدل، انصاف و لاضرر مابقی منابع مالی صرف کمک به معیشت و یاری اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر می‌گردد. در نتیجه می‌توان در فضای اقتصاد حکومت اسلامی اصول عدل، انصاف و لاضرر را سنگ‌بنا و به تعبیری اصول بنیادین اقتصاد دانست. مقصود از اصول بنیادین، اصولی می‌باشد که در هیچ شرایطی نباید از محسبات و فرآیند قانون‌گذاری در حکومت اسلامی نادیده انگاشته شود. به هر میزان که اقتصاد حکومت اسلامی دچار بحران تورمی و نوسان گردد، مطابق با اصول مزبور، فشار اقتصادی و افزایش هزینه‌ها بر شهروندان و اقشار ضعیف‌تر کمتر وارد می‌آید. هزینه‌های ناشی از تورم در مقصد نهایی باید بر حکومت اسلامی وارد آید، زیرا حکومت اسلامی هم از حیث وظایف اولیه (ضرورت ایجاد ثبات در بازار و نیز اجرای عدالت اقتصادی) و هم از حیث وظایف ثانویه (وظیفه حفاظت از شهروندان در موارد وقع بحران‌های داخلی و مسئولیت جبران خسارات وارده به آنها) مکلف به کنترل آثار بحران و تورم اقتصادی در جامعه می‌باشد.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- امام خمینی، سید روح الله، *الرسائل*، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، اول، ۱۴۱۰ ق.
- اطاعت، جواد، حکمت و حکومت امام علی (ع) و سیاست از دیدگاه نهج البلاغه، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۱ و ۲۸۲، ۱۳۸۹ش.

قامت واضع قوانین و مقررات و جلوگیری از ارتکاب جرائم می‌باشد. به تعبیری، مداخله حکومت اسلامی نه از نوع تصدی‌گری و نقش‌آفرینی دولت در توازن بازار بلکه از نوع مداخله جهت جلوگیری از سوءاستفاده از حق، رقابت غیرعادلانه و غیرمنصفانه و در نهایت حفاظت از نظم عمومی می‌باشد. حکومت اسلامی از طریق زکات، خمس، غنیمت‌های جنگی، خراج، جزیه، انفال منابع مالی خود را تأمین می‌کند. پس از تأمین منابع، حکومت باید منابع مزبور برای اجرای عدالت اقتصادی، برقراری ثبات در بازار و در نهایت تهیه نیازمندی‌های ضروری اکثریت مردم و جلوگیری از نارضایتی عامه و شورش‌های خطرناک به کارگیرد. این موارد از جمله عوامل اصلی در ایجاد تورم در بازار محسوب می‌شوند. حکومت اسلامی می‌بایست تخصیص منابع به ترتیب فوق را با در نظر گرفتن اصول عدل، انصاف و لاضرر انجام دهد. نکته مهمی که باید به آن عنایت داشت این است که قواعد عدل، انصاف و لاضرر در دو مرحله با پیش‌بینی راهکارهای خاص در راستای حمایت از شهروندان به کارگرفته می‌شوند: اول به کارگیری اصول مزبور در تأمین منابع مالی حکومت اسلامی. مشاهده شد که راهکارهای تأمین منابع حکومت اسلامی عبارت بودند از خمس، زکات، ...؛ تمام منابع مزبور به صورت پلکانی و در جهت حمایت از اقشار ضعیف‌تر طراحی شده‌اند. در فضای تورمی و افزایش مخارج زندگی، اقشار مرفه جامعه اسلامی با پرداخت خمس، زکات و ... به صورت مستقیم در تأمین منابع مالی حکومت اسلامی نقش‌آفرینی می‌کنند. در مرحله دوم، منابع مالی حکومت اسلامی باید در موارد ضروری صرف و اختصاص داده شود. در این مرحله نیز در کنار

- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، موسسه آل البيت (ع)، اول، ۱۴۰۹ ق.
- رمضانی، مهدی، محمدی، حسین، رفیعی، امیر تیمور، واکاوی میراث تاریخی قوانین اخذ مالیات ایرانی از ورود اسلام تا پایان عصر سامانیان، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره سی و چهارم، ۱۴۰۳.
- سیوطی، جلال الدین، *تنویر الحوالک*، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۸ ق.
- شیخ الشریعه، فتح الله اصفهانی، *قاعده لا ضرر*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۱۰ ق.
- شیخ انصاری، مرتضی، *فرائد الأصول*، قم، مجمع الفکر الإسلامی، نهم، ۱۴۲۸ ق.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن، *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، دار الکتب الإسلامیه، تهران، اول، ۱۳۹۰ ق.
- طباطبایی، محمود، در آمدی بر تطبیق قاعده عدالت، فقه و اصول، سال چهل و ششم، شماره نود و هشتم، ۱۳۹۳ ش.
- عاملی، محمد بن علی، *نهایه المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۱۱ ق.
- عراقی، ضیاء الدین، *قاعده لا ضرر*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۴۱۸ ق.
- علامه حلی، *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ ق.
- فاضل آبی، حسن، *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، سوم، ۱۴۱۷ ق.
- فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۲۰ ق.
- فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۵ ش.
- قمی، صدوق، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ ق.
- کرکی، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، قم، دار الحدیث للطباعه و النشر، اول، ۱۴۲۹ ق.
- محقق حلی، نجم الدین، *المختصر النافع فی فقه الإمامیه*، قم، موسسه المطبوعات الدینیة، ششم، ۱۴۱۸ ق.
- محقق داماد، سید مصطفی، *قواعد فقه*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، دوازدهم، ۱۴۰۶ ق.
- مصطفوی، سید محمد کاظم، *مائه قاعده فقهیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۱ ق.
- مطهری، مرتضی، *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران، نشر حکمت، ۱۴۰۳ ق.
- موسوی جوردی، محمدرضا، *نسبت سنجی مالیات- های اسلامی و مالیات‌های موضوعه*، شمس الشموس، شماره اول، ۱۴۰۱.
- نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
- نراقی، ملا احمد، *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، اول، ۱۴۱۷ ق.
- نظریور، محمدنقی، امام علی (ع): حکومت و بازار، کتاب نقد، شماره نوزدهم، ۱۳۸۰.
- Bernholz, Peter, *Monetary Regimes and Inflation: History, Economic and Political Relationship*, Hague, Edward Elgar, 2015.
- Blyth, Mark, Fraccaroli, Nicolò, *Inflation: A Guide for Users and Losers*, London, W. W. Norton & Company, 2025.
- Chowdhury, Mehdi, *Money and Inflation: A New Approach to Monetary Analysis for the 21st Century*, London, Springer, 2024.
- Cleaver, Tony, *Economics: The Basics*, London, Taylor & Francis, 2023.
- Dransfield, Rob, *Business Economics*, London, Taylor & Francis, 2024.
- Hood, Christopher, King, Maia, Iain McLean, Piotrowska, Barbara Maria, *The Way the Money Goes: The Fiscal Constitution and Public Spending in the UK*, Oxford, Oxford University Press, 2023.
- Razek, Ali Abdel, *Islam and the Foundations of Political Power*, Edinburgh, Edinburgh University Press, 2013.



پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي